



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



امام حسین علیه السلام
استثنای عالم وجود

مجله خاتمه آریستاد اهل
علاج مسند صادقین شیخواری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام حسين (عليه السلام)، استثنای عالم وجود

نویسنده:

آیت الله العظمی حسینی

ناشر چاپی:

یاس زهرا (سلام الله علیها)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام حسین (علیه السلام)، استثنای عالم وجود
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست
۱۱	امام حسین علیه السلام ، استثنای عالم وجود
۱۵	پلک خون بار
۱۷	عاشورا در صحاح سته
۲۰	سوگ دائم
۲۱	دشمنان سیدالشهدا علیه السلام و کوشش های نافرجام
۲۵	کیفر زودهنگام
۲۷	مرجع مجهول
۳۱	ضمیمه
۳۹	درباره مرکز

امام حسین (علیه السلام)، استثنای عالم وجود

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی شیرازی ، سیدصادق ، 1320 -

عنوان و نام پدیدآور : امام حسین (علیه السلام) استثنای عالم وجود از سخنرانیهای مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی / صادق حسینی شیرازی ؛ به قلم محمدکاظم خنفرزاده.

مشخصات نشر : قم: یاس الزهرا علیها سلام، 1386.

مشخصات ظاهری : 32ص. ؛ 12×16 س م.

شابک : 3000 ریال ؛ 3000 ریال: چاپ ششم: 3-05-2843-964-978

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : چاپ اول : اسفند 1385.

یادداشت : چاپ چهارم.

یادداشت : چاپ ششم: بهمن 1386.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق -- احادیث

شناسه افزوده : خنفرزاده، محمدکاظم، گردآورنده

رده بندی کنگره : BP41/5

رده بندی دیویی : 297/9534

شماره کتابشناسی ملی : 1199965

شناسنامه کتاب

نام کتاب: ... امام حسین علیه السلام ، استثنای عالم وجود

مؤلف: ... آیت الله العظمی سید صادق شیرازی «دام ظلّه»

ناشر: یاس زهرا علیها السلام قم

تدوین: ... محمد کاظم خنیفر زاده

تیراژ و قطع: ... 10000 نسخه - جیبی

نوبت و تاریخ چاپ: ... ششم - بهمن 86 - محرم 1429

چاپ و صحافی: ... نینوا - قم تلفن: 7833433

شابک: ... 3 - 05 - 2843 - 964 - 978

قیمت: ... 300 تومان

تلفن مرکز پخش:

7836420 98251 + - 09122510526

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان عجل الله تعالی

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

امام حسین (علیه سلام)

استثنای عالم وجود

از سخنرانی های

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله اعظمی

حاج سید صادق حسینی شیرازی دام ظلّه

به قلم :

محمد کاظم خنیفرزاده

موسسه فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

ص: 2

امام حسین علیه السلام ، استثنای عالم وجود ... 5

پلک خون بار ... 9

عاشورا در صحاح سته ... 11

سوغ دائم ... 14

دشمنان سیدالشهدا علیه السلام وکوشش های نافرجام ... 15

کیفر زودهنگام ... 19

مرجع مجهول ... 21

ضمیمه (بیانیه آیت الله العظمی سید صادق شیرازی ...) ... 25

ص: 3

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ص: 4

امام حسین علیه السلام، استثنای عالم وجود

* امام حسین علیه السلام، استثنای عالم وجود (1)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين

ابراهيم بن ابي محبوب (2) از حضرت امام رضا عليه السلام روایت

ص: 5

-
- 1- این گفتار در آستانه محرم الحرام 1428 ق (1385/10/28 ش) و در جمع شماری از اعضای هیئت های حسینی ایراد شده است.
 - 2- از یاران مورد وثوق امام رضا علیه السلام که شماری از روایات مربوط به احکام طهارت، نماز، روزه، حج و ... به واسطه او از امام رضا علیه السلام نقل شده است.

مفصلی نقل کرده که در یکی از فقرات آن چنین آمده است :

إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جَفُونَنَا وَأَسْبَلَ دُمُوعَنَا؛ (1) روز [شهادت و مصیبت] امام حسین علیه السلام پلک چشمان ما اهل بیت را زخم کرد و دیدگانمان را پر اشک ساخت».

برخی بر این فرمایش حضرت ثامن الائمه علیه السلام اشکال گرفته و گفته اند: چگونه ممکن است مصیبتی بتواند پلک چشمان آدمی را زخمی کند؟ البته بازار فضل فروشی و عرض اندام در برابر اهل بیت علیهم السلام همیشه وجود داشته و هیچگاه از مشتری تهی نبوده است. همیشه کسانی بوده اند که در برابر گفتار پیغمبر خدا و اهل بیت علیهم السلام از خود نوعی مقاومت نشان می دادند. این مطلب در زمان خود پیامبر صلی الله علیه وآله نیز وجود داشته است. برای نمونه از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

« كان الحسين بن علي عليه السلام ذات يوم في حجر

ص: 6

1- بحار الانوار، ج 44، ص 283.

النبي صلى الله عليه وآله يلاعبه ويضاحكه فقالت عائشة: يا رسول الله ما أشدَّ إعجابك بهذا الصبي . فقال لها: ويملك وكيف لا أحبه ولا أعجب به وهو ثمرة فؤادي وقرّة عيني . أما إن أمتي ستقتله فمن زاره بعد وفاته كتب الله له حجة من حججى . قالت: يا رسول الله: حجة من حججك؟! قال: نعم، حجّتين من حججى . قالت: يا رسول الله حجّتين من حججك؟! قال: نعم واربعه . قال فلم تزل تزاده ويزيد ويضعف حتى بلغ تسعين حجة من حجج رسول الله بأعمارها؛ (1) روزى امام حسين عليه السلام در آغوش پیامبر صلى الله عليه وآله بود و پیامبر مشغول سرگرم کردن و خندانیدن او بودند . عایشه گفت: ای رسول خدا، راستی که چقدر شیفته این کودکی! حضرت به او فرمودند: وای بر تو چگونه دوستدار و شیفته او نباشم حال آنکه میوه دل و نور دیده من است. بدان که امت من او را خواهند کشت و هر که او را زیارت کند خدا پاداش حج مرا در نامه

ص: 7

1- کامل الزیارات، ص 68 باب (22).

اعمالش می نویسد . عایشه با شگفتی پرسید : ای رسول خدا، پاداش حج شما را ؟ فرمود: بله و [بلکه] پاداش دویار حج مرا به او می دهد. گفت: ای رسول خدا دویار حج شما ؟! فرمود: آری و [بلکه] چهار حج. عایشه همین طور رقم را می افزود و حضرت نیز پاداش آن را دو چندان می کرد تا اینکه به نود حج همراه با عمره رسید.

این قبیل عرض اندام ها و کارشکنی ها تا به امروز نیز ادامه داشته است ولی جز ناکامی و رسوایی چیز دیگری برای صاحبانش در بر نداشته است؛ زیرا خدای متعال وعده فرموده است که هر چند مخالفان در این خصوص اصرار بیشتری بورزند ناکام تر شوند. حضرت زینب کبری علیها السلام روز یازدهم محرم ضمن بازگویی حدیثی نبوی فرمودند :

(وليجتهدن ائمة الكفر واشياع الضلالة في محوه

ص: 8

وتطمیسه، فلا۔ یزداؤ اثره إلا ظهوراً وأمره إلا علواً (1) هر قدر پیشوایان کفر و پیروان ضلالت در زدودن و از بین بردن نشانه های [کربلا] بکوشند، روز به روز اثر آن پدیدارتر و نام آن بلند آوازه تر می شود را می شود.

پلک خون بار

پلک انسان در نهایت لطافت است و شاید از جهتی بتوان آن را لطیف ترین عضو ظاهری انسان دانست. در پشت چشم انسان غده هایی وجود دارد که وقتی قلب انسان از اندوه مصیبتی به درد می آید، خون شیرین را به اشک شور تبدیل می کنند. این غده ها اعضای ریز و بسیار ظریفی است که وظیفه آن ها تبدیل کردن خون به اشک می باشد. حال اگر بر اثر شدت مصیبت و گریه بسیار این غده ها فعالیت زیادی کنند و فشاری بیش از اندازه به آن ها وارد شود، ضعیف می شوند

ص: 9

و فرصت تبدیل کردن خون را به اشک نخواهند داشت . در چنین حالتی به جای اشک مستقیماً خون از دیدگان انسان خارج می شود. از همین روست که حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - خطاب به جد بزرگوارشان می فرماید :

« فلائندبنك صباحاً ومساءً ولأبكين عليك بدل الدموع دماً ؛ (1) هر بامداد و شامگاه در اندوه توزاری می کنم ، و به جای اشک ، خون از دیدگان خواهم افشانم » .

وانگهی در صورتی که بر اثر گریه بسیار ، پلک ظریف و حساس آدمی تماس مداوم و فراوانی با اشک - که شور است - داشته باشد ، آزرده و زخمی می شود . از این روست که امام رضا علیه السلام فرمودند: روز شهادت و مصیبت امام حسین پلک چشمانمان را زخمی کرد.

ص: 10

نویسندگان صحاح سته تعمد فوق العاده ای داشته اند که تا جایی که می شود نام امام حسین علیه السلام را نبرند و کسی که خبره فن باشد و این کتابها را مطالعه کند به روشنی می بیند که تلاش و نیروی بسیاری در این خصوص به کار برده اند. اما به رغم تلاش مذبحانه روات عامه در خصوص نام نبردن از اهل بیت علیهم السلام، در همین صحاح بارها و بارها ماجرای سیدالشهدا ذکر شده است. برای نمونه اصحاب صحاح آورده اند:

حضرت امیر علیه السلام در مسیرشان به سمت صفین هنگامی که به محاذات نینوا (کربلا) رسیدند ندا دادند: یا ابا عبدالله صبر پیشه کن، یا ابا عبدالله در کنار شط فرات صبر پیشه کن. وقتی علت این فرمایش ایشان را جویا شدند، فرمودند: روزی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و دیدم چشمانشان لبریز اشک است. عرضه داشتم: ای رسول خدا، آیا کسی شما را خشمگین کرده است؟ چرا چشمانتان از اشک لبریز است؟ فرمودند: لختی پیش جبرئیل نزد من بود و گفت: حسین در کنار شط فرات

کشته خواهد شد. او هم چنین گفت: دوست داری مقداری از خاک تربتش را به تو دهم تا ببویی؟ گفتم: آری. آن گاه دست دراز کرد و مشتی خاک به من داد. از این رو نتوانستم چشمانم را از اشک نگاه دارم. (1)

ماجرای گذر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از برابر سرزمین کربلا در حدود بیست سال پیش از واقعه کربلا بوده است. در این خبر تعبیر «وعیناه تفیضان» یا «فاضت عینه» با تعبیر مشابهی چون «بکی» یا «دمعت عیناه» تفاوت دارد. وقتی ظرفی پر از آب شود و آب از اطراف آن سرازیر شود، در زبان عربی به چنین حالتی «فیضان» می گویند. این تعبیر هنگامیکه آب رودخانه ای بالا آید وسیل به راه افتد نیز به کار می رود. معمولاً وقتی انسان گریه می کند اشک فقط از گونه چشمش خارج می شود. به چنین حالتی «فیضان» چشم نمی گویند بلکه فیضان چشم مربوط به زمانی است که از فرط

ص: 12

1- مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 85؛ مسند ابی یعلی، ج 1، ص 298 (حدیث 363)؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج 3، ص 105 (حدیث 2811)؛ ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف، ج 8، ص 632 (حدیث 259).

اندوه بسیار چشم انسان لبریز اشک شود و اشک از همه جای آن سرازیر شود. از این رو تعبیر فیضان در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام با توجه به اینکه آنان « امراء الکلام » (1) می باشند جای دقت دارد .

نکته شایان توجه دیگر در این روایت سؤالی است که حضرت امیر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه وآله پرسیدند . این قبیل پرسش ها در اصطلاح «سؤال العارف» خوانده می شود . مسلماً حضرت امیر علیه السلام از علت گریه پیامبر خبر داشتند و چنین نیست که پیامبر چیزی بدانند و حضرت امیر علیه السلام از آن بی خبر باشند .

این قبیل پرسش ها حکمت های متعددی دارد که از جمله آن تعلیم دادن به ما است و در قرآن و کلام خردمندان کاربرد بسیار دارد. برای مثال خدای متعال که به هر پیدا و ناپیدایی علیم است از حضرت موسی علیه السلام می پرسد : (وَمَا تَلُكُ بِيَمِينِكَ يٰمُوسَى) (2) ای موسی ، در دست راست تو چیست ؟ « مسلماً

ص: 13

1- حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «إنا لأمرء الکلام؛ ما امیران ملک سخن هستیم (نهج البلاغه، خطبه 233)

2- طه (20) ، آیه 17 .

خدای متعال بهتر از حضرت موسی می دانست چه چیزی در دست وی قرار دارد.

سوگ دائم

کلامی که از امام رضا علیه السلام نقل کردیم نشان می دهد که عمق واقعه کربلا را فقط اهل بیت علیهم السلام را درک می کنند و فهم ما نسبت به این ماجرا نسبی و ناقص است. در حقیقت ما فقط اندکی از این واقعه درک می کنیم. امام رضا علیه السلام چنان که باید و شاید ژرفای این ماجرا را می فهمند و از همین روست که می بینیم واقعه کربلا همیشه در نظر و برابر دیدگانشان حاضر بوده است. فقره ای که از کلام امام رضا علیه السلام نقل کردیم بدین معنی نیست که پلکهای ایشان فقط در ماه محرم زخمی است. کلام ایشان عمومیت دارد و چنین قیدی در فرمایش حضرت موجود نیست. چرا که امامان بزرگوار همیشه به یاد مصائب عاشورا بودند و همواره برای مظلومیت جد بزرگوارشان چنان می گریستند که پلک دیدگان مبارکشان آزرده می شد.

ص: 14

ما نیز باید در تاسی به پیشوایانمان ، همیشه به یاد مصائب کربلا باشیم و شایسته است معلوماتمان را در این خصوص افزایش دهیم و فقط به آنچه در مجالس روضه می شنویم بسنده نکنیم . بدین منظور مناسب است کتاب هایی چون معالی السبطین را - که مطالب سودمندی درباره حضرت سیدالشهدا علیه السلام در بردارد - بخوانیم .

دشمنان سیدالشهدا علیه السلام و کوشش های نافرجام

سوگواری برای سیدالشهدا علیه السلام و بزرگداشت نام ایشان ماجرابی کهن و ریشه دار است و مربوط به امروز و دیروز نیست. خدای متعال خود چنین چیزی را مشیت فرموده است و با مشیت الهی نمی توان مبارزه کرد. البته این دنیا صحنه امتحان ، و آدمی دارای اختیار است و خدای متعال به آدمی این اختیار را داده است که حتی با خود او نیز از در پیکار و ستیزه برآید. فرعون با خدا مبارزه و ادعای خدایی کرد ولی با این حال خدا چهارصد سال به او مهلت داد. شداد نیز با همه خیره سری و گردن کشی که داشت - بنا به گفته مرحوم علامه

ص: 15

اما خدای متعال به شمر، یزید، عمر سعد و ... مهلت چندانی نداد و این افراد پس از عاشورا عمر چندانی نکردند. یزید ادعای خدایی نداشت و فقط آشکارا اظهار بی دینی می کرد. (1)

ص: 16

1- آورده اند که وقتی اسرای آل الله را نزد یزید آوردند پس از جسارت به لب و دندان مقدس سرور جوانان بهشت به این ابیات کفر آمیز متمثل شد: لیت اشیاخی بیدر شهدوا *** جزع الخرج من وقع الأسل لأهلوا واستهلوا فرحاً *** ثم قالوا یا یزید لا تُشل قد قتلنا القرم من ساداتهم *** وعدلناه بیدر فاعتدل لعبت هاشم بالملك فلا *** خبر جاء ولا وحی نزل لست من خندف ان لم انتقم *** من بنی احمد ماکان فعل ای کاش نیاکانم که در جنگ بدر حضور داشتند اکنون اینجا بودند و می دیدند که چگونه از حسین انتقام آنان را گرفتم. اگر این جا بودند و این ماجرا را می دیدند اظهار خرسندی و شادی می کردند و می گفتند: ای یزید، دست مرزاد! ما سرور و سالارشان را به کیفر کشتار بدر کشتیم و اکنون بی حساب شده ایم. بنی هاشم شوکت شاهی را به بازی گرفتند. نه خبری از آسمان آمده و نه وحیی نازل شده است. من از نسل خندف (نام یکی از مادر بزرگ های معاویه) نیستم اگر انتقام کارهای پسران احمد را نستانم (سید بن طاووس، اللهوف، ص 180).

خدای متعال به هر حال در قیامت ، هم امثال فرعون و شداد و هم یزید و قاتلان سیدالشهدا را کیفر خواهد کرد و شتاب کردن در کیفر آنان ظاهراً لازم نیست . ولی ماجرای سیدالشهدا علیه السلام را از همه جهت استثنا است و تاریخ شهادت می دهد که دشمنان سیدالشهداء در همین دنیا کیفر شدند و خدا مهلتشان نداد.

اساساً مشیت الهی بر این تعلق گرفته است که با ماجرای سیدالشهدا علیه السلام و هر چیزی که به نوعی با ایشان مربوط است به شکلی استثنایی برخورد نماید . یکی از استثنائات حضرت این است که نام ایشان از دیگر معصومین علیهم السلام بیشتر بر سر زبان هاست . معالی السبطين (1) کتابی است که در احوالات امام حسن مجتبی و حضرت سیدالشهدا نگاشته شده و مولف فاضل آن به خوبی می دانسته است که امام مجتبی علیه السلام از برادر

ص: 17

1- معالی السبطين في احوال السيدين الامامين الحسن والحسين عليهما السلام نگاشته شيخ محمد مهدي بن عبدالهادي مازندراني حائري (وفات : 1385 ق).

بزرگوارشان افضل میباشند، ولی با این حال فقط در حدود شصت صفحه از این کتاب مربوط به امام حسن مجتبی علیه السلام و بیش از ششصد صفحه آن درباره حضرت سیدالشهدا علیه السلام می باشد . این در حالی است که در طول تاریخ بسیاری از مطالب و کتاب های مربوط به سیدالشهدا به شعله های آتش سپرده شده و ناقلان این آثار مورد جنایت و آزار قرار گرفته اند. شاید بتوان گفت تنها یک هزارم مطالب مربوط به آن حضرت به دست ما رسیده است . اما به رغم آن تلاش ها و این کارشکنی ها امروزه نام هیچ کس در جهان به اندازه نام نامی سیدالشهدا علیه السلام آوازه ای به این گستردگی نیافته است . بسیاری کسانانی که خدا را قبول ندارند و بت می پرستند ولی برای امام حسین علیه السلام گریه می کنند و نام ایشان را بزرگ می دارند .

شایسته است که ما نیز همچون خدای متعال با ماجرای سیدالشهدا علیه السلام به نحوی استثنایی برخورد کنیم و بدانیم که خدای متعال به کسانانی که با نام و شعائر ایشان مبارزه می کنند مهلت نمی دهد و به سرعت آنان را مشمول قهر و کیفر خود قرار می دهد .

شکی نیست که سوگواری برای ابا عبدالله الحسین علیه السلام و بزرگداشت نام ایشان و هرگونه خدمت به مجالس حضرت فوق العاده ارزشمند است و هر قطره اشکی که در سوگ ایشان برگونه عزاداران جاری می شود آتش دوزخ را خاموش می کند . اما عکس این مطلب نیز صادق است و هر اندازه که یک قطره اشک در سوگ ایشان این همه ارزش دارد ، به همان نسبت ، کم ترین سخنی علیه عزای ایشان و عزاداران حضرت برای گوینده اش زیانبار و خطرناک است . دلسرد کردن عزاداران ، مسخره کردن عزاداری ، و کارشکنی در این امر ، خطرناک و از هر آتشی سوزنده تر است .

از این رو شایسته است که هر یک از ما برای سعادت دنیا و آخرت خودمان هم که شده به قدری که می توانیم عزاداری سید الشهداء علیه السلام را تقویت کنیم و در این راه از پول ، جوانی ، موضع گیری و زبان استفاده کنیم و به قلم و قدم و حتی به دل از آن حمایت نماییم . این کار به جوانی انسان قیمت می دهد و در

عمر آدمی برکت ایجاد می کند .

چندی پیش یکی از برادران عراقی نقل می کرد : « در یکی دو ساله قبل از سقوط نظام بعثی نسبت به کسانی که پیاده به سمت کربلا می رفتند سخت گیری فوق العاده ای اعمال شده بود و اگر کسی را به این جرم می گرفتند او را به زندان می فرستادند و شکنجه و چه بسا اعدام می کردند . روزی گشت بعثی های ظالم به نوجوانی ده - دوازده ساله برخوردند و حدس زدند او را برای راهنمایی زوار پیاده در آن مکان گماشته اند . البته حدسشان نیز صائب بود و این کودک زوار پیاده را برای استراحت و پذیرایی نزد قبایل اطراف می برد یا دست کم راه را نشان می داد . ماشین گشت با دیدن آن کودک ایستاد و یکی از آنها از آن کودک بازجویی کرد و به گونه آن کودک که سخت ترسیده بود سیلی محکمی زد . چند لحظه بعد که سرباز می خواست سوار ماشین شود، قنداق اسلحه اش به ماشین گیر کرد و ماشه اش به سمت خود او شلیک شد و در جا مُرد.

خدای متعال برای امام حسین علیه السلام در همین دنیا انتقام می گیرد و در کیفر چنین کسانی شتاب می کند . حال اگر این

ص: 20

شخص ده ها سال کفر می گفت خدای متعال این قدر در کیفر او

شتاب نمی کرد و نمونه روشن چنین کسانی فرعون و شداد می باشند که خدای متعال مهلت بسیاری به آنان داد . این افراد علاوه بر عذاب عاجل دنیوی ، عذاب آجل اخروی نیز در انتظار آنان است.

خدای متعال با ماجرای سیدالشهدا به نحوی استثنایی برخورد می کند و کسانی را که در این مسیر مانع تراشی و کارشکنی می کنند ، به سرعت مجازات می نماید.

از این رو بهتر است ما نیز در ماجرای سیدالشهدا علیه السلام مثبت برخورد کنیم نه منفی . بدین معنا که اگر امری یا مراسمی به نظرمان مناسب نیامد از آن انتقاد نکنیم و فقط بگوییم چه کاری مناسب است. نگوئیم اینگونه خوب نیست ، حتی به همین اندازه هم منفی عمل نکنیم .

مرجع مجهول

مشهور میان فقها این است که پوشیدن لباس مشکی و نماز خواندن با آن مکروه است (یعنی حرام نیست) و مجموعه ای

ص: 21

از فقها بر این نظرند که پوشیدن لباس مشکی برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام مستحب می باشد . یعنی هر چند این کار مکروه است، برای سیدالشهدا مستحب می شود . البته در مقابل علمای دیگری هم وجود دارند که این دیدگاه را قبول ندارند .

یکی از علما کتابی در فقه دارد که در حدود صدسال پیش چاپ سنگی شده است و بنده نیز یک نسخه از آن را دارم. ایشان نیز مانند برخی از فقهای دیگر قبول ندارند پوشیدن لباس مشکی برای سیدالشهدا علیه السلام مستحب است . به هر حال این یک نظریه فقهی است و طرفین در این مسئله مبنای ویژه خود را دارند.

این عالم معتقد بود پوشیدن لباس مشکی در هر حال مکروه است و حتی اگر برای سیدالشهدا علیه السلام پوشیده شود کراهت آن باقی می ماند . اما ایشان در توضیح دیدگاه خود مثالی می زند که نامناسب است و بنده وقتی به تمثیل ایشان رسیدم بسیار شگفت زده شدم .

بنده از این کتاب و دیدگاه های این عالم در آثار خود نقل کرده ام و همیشه این سؤال و ابهام در ذهنم وجود داشت که چرا

هیچ یک از فقها به کتاب های ایشان استشهاد نکرده اند و او را نمی شناسند. میان بنده و ایشان حدود شش یا هفت طبقه از فقها وجود دارند و همگی کتابهایی در فقه پرداخته اند ولی هیچ یک به کتاب و آرای ایشان ارجاع نداده اند. روزی نزد یکی از مراجع بزرگ قم - که در یک دوره مرجعیت عام پیدا کردند - رفته بودم و مطلبی نقل کردم که ایشان منبع آن را پرسیدند. گفتم: فلان کتاب آن مرجع تقلید نود ساله حتی نام آن کتاب را هم که به چاپ رسیده بود نشنیده و نشانی از آن ندیده بود!

بعدها که مسئله پوشیدن لباس مشکی و آن تمثیل نامناسب را در کتاب دیدم به راز گمنامی فوق العاده ایشان پی بردم و دانستم علت مجهولیت بی اندازه ایشان آن تمثیل نامناسب است.

آن عالم سوء نیت نداشته و به اصطلاح این کارشان قُبْح فعلی داشته و نه فاعلی، ولی با این حال خدای متعال همین اندازه مقابله با دستگاه سیدالشهدا علیه السلام را نیز بر نمی تابد.

به نظرم آمد تمام مشکل این کتاب فقط برای همین چند کلمه است که باعث شده است چنین کتاب مهمی در قلب

حوزه علمیه و حتی در میان مراجع تقلید هم ناشناخته بماند و در غبار گمنامی از یادها فراموش شود . از آنجا که ترسیم نکبت این کتاب دامنگیر آثار بنده هم شود هر چه از ایشان نقل کرده بودم پاک کردم و با خود گفتم : به هر حال علم متوقف بر نقل این موارد نیست .

غرض این که در دستگاه سیدالشهدا علیه السلام حسن نیت کافی نیست و حسن عمل لازم است ؛ زیرا یک اشتباه هر چند ناخواسته و از سر قصور باشد اثر وضعی خود را خواهی نخواهی به جا می نهد و شواهد بسیاری در تأیید این معنا وجود دارد .

قدر محرم و سوگواری حضرت ابا عبدالله علیه السلام را بدانیم و بکوشیم جز خدمت به این دستگاه چیزی از ما صادر نشود.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

ص: 24

بیانیه آیت الله العظمی سید صادق شیرازی «دام ظلّه» به مناسبت عاشورای حسینی 1428 ق شده

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين

حضرت سیدالشهدا علیه السلام با نهضت عظیم خود مسیر فضیلت، بخشش و آرمان های والا در عقیده و اخلاق را برای همه جهانیان در طول تاریخ ترسیم کردند. آن حضرت در وصیت جامعی که خطاب به برادرشان محمدبن حنفیه نوشتند فرمودند:

«اني لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً وإتّما

ص: 25

خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدِّي : (1) من از سر خیره سری و گردن کشی یا برای فساد و یا ستم قیام نکردم و فقط برای اصلاح در امت جدم قیام کردم».

کوشش برای اصلاح امت همان شاهراه صریح و روشنی است که امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا با گفتار و کردار و تقریر و خون و جسم و جان مطهرشان و نیز با تقدیم خون پاک فرزندان ، برادران و بستگان و همه دار و ندارشان آن را ترسیم نمودند و در این راه حتی به اسیری خانواده و فرزندانیشان تن دادند ؛ خانواده ای که پاک ترین ، باتقواترین

وریشه دارترین خانواده در کل تاریخ یعنی خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند .

همین نهضت راستین و روشنگرانه بود که راه روشن حق را به امت اسلامی و تاریخ نشان داد ؛ راه روشنی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جهانیان به ارمغان آورد ولی بنی امیه قصد نابودی و محو آن را داشتند. نهضت سیدالشهدا علیه السلام با

ص: 26

1- بحار الانوار، ج 44، ص 328 (باب 37 - ما جرى عليه ...).

حکومتی که به ناروا جامه اسلام بر تن کرده بود و ریاست آن را بنی امیه و بنی مروان بر عهده داشتند ، روبه رو شد و طاقهای برافراشته و ستون های آن را یکی پس از دیگری ویران نمود تا جایی که امروزه جز تاریخی ننگین و آکنده از ماجراهای نفرت انگیز چیز دیگری از آن باقی نمانده و کارشان به جایی رسیده است که امروز حتی اگر کسی از نسل بنی امیه و بنی مروان باشد جرأت ندارد اظهار کند من از بنی امیه یا

بنی مروان هستم .

در تاریخ ده ها و ده ها نمره بود دارد که شاهد این معنی است. برای نمونه در تاریخ آورده اند که یکی از نوادگانشان به نام سعدبن عبدالملک بن عبدالعزیز بن مروان همچون زنان می گریست و به حق افتاده بود. وقتی علت را جویا شدند گفت :

« وکیف لا- أبکي وأنا من نجرة الملعونة في القرآن ؛ (1) چگونه گریه نکنم در حالی که از همان درختی هستم که در قرآن خاندان نفرین شده خوانده

ص: 27

این اقدام موفقیت آمیز امام حسین علیه السلام همچنان استمرار دارد و مشیت الهی بر این تعلق گرفته است که چنین اقدامی فقط به دست سیدالشهدا (ع) صورت انجام پذیرد، نه به دست کس دیگری، حتی اگر برتر از او باشد (همانند جد بزرگوارشان پیامبر اکرم، پدر گرامیشان امیر مؤمنان، مادر ارجمندشان حضرت فاطمه زهرا و برادر گرانقدرشان امام حسن مجتبی صلوات الله علیهم اجمعین).

امام حسین علیه السلام همان « وتر موتوری » است که بارها و بارها بر زبان معصومین علیهم السلام در زیارات به این لقب از ایشان یاد شده است. ایشان تنها امامی هستند که خدای متعال برای این اصلاح ریشه ای و گسترده برگزیده تا با سخنان روشنگرانه و سیره پر بارشان نقاب از چهره طاغوتانی برکشند که به دروغ جامه مسلمانی بر تن نمودند و دم از اسلام می زدند و آنان را در پیشگاه تاریخ رسوا نماید.

اگر نهضت امام حسین علیه السلام نبود یزید و همقطاران او که بیش و پس از او بودند به نیرنگ و زور خلافت رسول الله صلی الله علیه و آله

را غصب کردند ، چگونه رسوا می شدند؟

اگر نهضت سیدالشهدا علیه السلام نبود شخصی چون حجاج که ده ها هزار تن انسان بی گناه را در معرض شکنجه و قتل قرار داد ولی مردم را موعظه می کرد و می گریانید، چگونه رسوا می شد؟ (1)

اگر این نهضت نورانی نبود کی نقاب از چهره صلاح الدین ایوبی برداشته می شد؟ او کسی است که مسلمانان منتسب به اهل بیت علیهم السلام را در شهر خود محاصره می کرد و می کشت و زنان و کودکان و پیرانشان را ده ها هزار یک جا به کام شعله های آتش می فرستاد. (2)

اگر این نهضت مبارک نبود چه کسی می توانست مروانیان ، عباسیان و عثمانیان را - که سال ها به نام اسلام بر کرسی ریاست مسلمانان تکیه زدند و از هیچ ستم و آزاری در حق بی گناهان خودداری نکردند - رسوا کند؟

در این روزگار نیز - که عصر دانش و آزادی خوانده شده است - چه کسی غیر از امام حسین علیه السلام و عاشورا و زیارت

ص: 29

1- الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 585 .

2- همان ، ج 11، ص 346 و 347 و 442 .

و کربلای معلای آن حضرت می‌توانست طاغوت عراق یعنی صدام را مفتضح کند؟ همان کسی که میلیون‌ها نفر از ملت ستمدیده عراق را آواره کرد و مورد شکنجه و قتل قرار داد و میلیاردها ثروت این کشور را صرف برافروختن شعله‌های جنگ و هوس‌های زودگذر و شخصی خود نمود.

و بدین سان امام حسین علیه السلام چراغ عظیمی خواهد بود که نه فقط راه مسلمانان، بلکه راه همه بشریت را روشن می‌کند و خیر و شر را نشان می‌دهد و اسلام صحیح و واقعی را از اسلام ساختگی باز می‌نماید.

از همین روست که می‌بینیم ستمگران - در کل تاریخ و از روزگار شهادت آن حضرت تا به امروز - با امام حسین علیه السلام و مجالس عزاداری ایشان مقابله و مبارزه کرده‌اند و با تمام توان سعی در زدودن شعائر حسینی و هر چیزی دارند که به نحوی با ایشان مرتبط است. این زمامداران ستمگر این کار را به شیوه‌های گوناگون مانند تخریب و هدم و انفجار شهر مقدس آن حضرت، کشتار زنان و پیروان و کودکانی که به اقامه عزای ایشان مشغولند، نشر فرهنگ معاویه و یزید،

و مسخره کردن فرهنگ و شعائر امام حسین علیه السلام انجام می دهند .

اما به رغم این همه تلاش مذبحخانه ، خدای متعال بر زبان سید المرسلین صلی الله علیه وآله وعده داده است که این اقدامات نتیجه ای جز استحکام و دوام و بقای هرچه بیشتر فرهنگ و شعائر حسینی در بر نخواهد داشت.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

« وليجتهدن أئمة الكفر واشياع الضلالة في محوه وتطميسه ، فلا يزداد أثره إلا ظهوراً وأمره إلا علواً؛ (1)

پیشوایان کفر و پیروان گمراهی در محو و نابودی نشانه های امام حسین، تلاش بسیار خواهند کرد ولی انه از این تلاش ها نتیجه ای جز بالاگرفتن و ظاهر شدن هرچه شینان بیشتر آثار و امر او در بر نخواهد داشت» .

طاغوت عراق در روزگار ما چه بسیار افرادی را کشت و شکنجه و زندان کرد تا نگذارد زائران امام حسین علیه السلام با پای پیاده به زیارت ایشان بروند ولی امروزه جهان شاهد

ص: 31

1- کامل الزیارات، ص 260 .

کاروان های میلیونی از زوار مرد، زن ، جوان و پیری است که سالانه چندبار در ایام زیارتی ایشان در سرما و گرما وزیر باران و آفتاب سوزان ، شب و روز ده ها و صدها کیلومتر راه را می پیمایند تا به ثواب عظیمی دست یابند که در روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام وارد شده است. در این روایات برای هر گامی که زائر بر می دارد پاداش حج و عمره وعده داده شده است . (1)

این جانب از درگاه خدای متعال می خواهم به برکت امام حسین علیه السلام ، بقایای ستمهایی که در همه جا و به خصوص در کشور ستمدیده ، صبور و ارجمند عراق متوجه پیروان امام حسین علیه السلام می شود هرچه سریع تر به پایان برسد .

از درگاه باری تعالی می خواهم که با تعجیل در فرج فرزند امام حسین علیه السلام و خون خواه ایشان حضرت بقیه الله الاعظم مهدی موعود - ارواحنا فداه و صلوات الله علیه - بر همه جهانیان منت نهد و همه مؤمنان را بر صلاح و سعادت و توافق با همدیگر موفق بدارد .
وما توفیقی إلا بالله علیه توکلت وإلیه أنیب .

صادق شیرازی

2/ محرم الحرام / 1428 هجری

ص: 32

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

